

به نام پروردگار مهربان

مفهوم و قرابت معنایی

دهم | یازدهم | دوازدهم

دکتر حمیدرضا تاجیک

نظارت محتوایی: شهریار قبادی



فهرست

۷

بخش ۱ معانی و مفاهیم درس به درس

- ۸ مفاهیم مهم و کلیدی فارسی دهم
۴۶ مفاهیم مهم و کلیدی فارسی یازدهم
۹۶ مفاهیم مهم و کلیدی فارسی دوازدهم

۱۴۹

بخش ۲ مفاهیم مهم و پرتکرار

- ۱۵۰ حوزه عشق
۱۷۱ حوزه اخلاق
۲۰۸ حوزه عرفان
۲۱۶ حوزه خداوند
۲۳۱ حوزه پایداری و مقاومت
۲۳۹ سایر مفاهیم کلی

۲۵۵

بخش ۳ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۲۷۷

بخش ۴ پاسخ‌نامه تشریحی

توجه!

یعنی ارتباط و تناسب معنایی و مفهومی

یعنی پایه کتاب درسی و شماره درس ۷ | ۱۰



بخش اول

معانی و مفاهیم

درس به درس

- مفاهیم فارسی دهم
 - مفاهیم فارسی یازدهم
 - مفاهیم فارسی دوازدهم
- 



به نام کردگار

پایه دهم
ستایش

◀ به نام کردگار هفت افلاک
مفهوم: خالق بودن خداوند

☞ آفرین جان آفرین پاک را

◀ الهی فضل خود را یار ما کن
مفهوم: بخشندگی خداوند

☞ دلیلا من ذلیل و شرمسارم

◀ تویی رزاق هر پیدا و پنهان
مفهوم: رزاق بودن خداوند - خالق بودن خداوند

☞ دادار غیب‌دان و نگه‌دار آسمان

◀ زهی گویا ز تو کام و زبانم
مفهوم: ۱) قدرت کلام را خدا به ما داده است / ۲) خداوند همه جا هست، هم آشکار و هم پنهان

☞ به نام خدایی که جان آفرید

☞ به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

◀ چو در وقت بهار آبی پدیدار

◀ فروغ رویت اندازی سوی خاک

مفهوم: بهار، جلوه‌ای از خداوند است. زیبایی‌های بهار از خداوند است. (تجلی خداوند در هستی)

☞ بهار آمد و گلزار نورباران شد

چمن ز عشق رخ یار لاله‌باران شد

◀ هر آن وصفی که گویم بیش از آنی

یقین دارم که بی‌شک جان جانی

مفهوم: غیرقابل وصف بودن خداوند

🔗 نه ادراک در کنه ذاتش رسد نه فکرت به غور صفاتش رسد

◀ نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی

مفهوم: آگاهی خداوند / نادانی انسان

🔗 تو چه دانی تو چه دانی که چه کانی و چه جانی

که خدا داند و بیند هنری کز بشر آید

پایه دهم
درس ۱

چشمه و سنگ / خلاصه دانش‌ها

تاج سر گلبن و صحرا منم

بوسه زند بر سر و بر دوش من

ماه ببیند رخ خود را به من

باغ ز من صاحب پیرایه شد

می‌کند از پرتو من زندگی

کیست کند با چو منی همسری؟

رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

◀ گفت: درین معرکه یکتا منم

◀ چون بدوم سبزه در آغوش من

◀ چون بگشایم ز سر مو شکن

◀ ابر ز من حامل سرمایه شد

◀ گل به همه رنگ و برازندگی

◀ در بن این پرده نیلوفری

◀ زین نمط آن مست شده از غرور

مفهوم: خودستایی و غرور

🔗 بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت:

امروز همه روی جهان، زیر پر ماست



کاوه دادخواه / کاردانی

پایه یازدهم
درس ۱۲

◀ نهران گشت کردار فرزنانگان
◀ هنر خوار شد جادویی ارجمند
پراگنده شد نام دیوانگان
نهران راستی آشکارا گزند
مفهوم: بی عدالتی / رواج بدی‌ها در جامعه

🔗 شده بر بدی دست دیوان دراز
ز نیکی نبودی سخن جز به راز

◀ چنان بود که ضحاک را روز و شب
ز هر کشوری مهتران را بخواست
مرا در نهانی یکی دشمن است
به سال اندکی و به دانش بزرگ
به نام فریدون گشادی دو لب
که در پادشاهی کند پشت، راست
که بر بخردان این سخن روشن است
گوی (پهلوان) بدنژادی، دلیر و سترگ
مفهوم: دشمن را نباید کوچک و خرد پنداشت.

🔗 ندارم همی دشمن خُرد، خوار
🔗 دشمن خُرد است بلایی بزرگ
بترسم همی از بد روزگار
غفلت از او هست خطایی سترگ

◀ خروشید و زد دست بر سر ز شاه
یکی بی‌زیان مرد آهنگرم
که شاهها منم کاوه دادخواه
ز شاه آتش آید همی بر سرم
مفهوم: شکایت از ظلم دیدن

🔗 جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او
آن نور روی موسی عمرانم آرزوست

◀ بیاورد ضحاک را چون نوند
از او نام ضحاک چون خاک شد
به کوه دماوند کردش به بند
جهان از بد او همه پاک شد
مفهوم: ناپایداری قدرت (ظالم نیز روزی دچار ظلم می‌شود).

🔗 مبین کز ظلم جباری، کم آزاری ستم بیند
ستمگر نیز روزی کشته تیغ ستم گردد

◀ تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش تازان پس

به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی
مفهوم: توصیه به مبارزه با هوای نفسانی (با هوای نفسانی بجنگ تا به
کمال برسی)

🔗 حرارت‌های نفسانی بسوزد دینت را روزی
اگر در راه دین مردی علاج این حرارت کند

◀ کشتی‌گیری بود که در زور آزمایی شهره بود، بدر در میدان او
هلالی بودی و رستم به دستان او زالی.

◀ با جوانان چو دست بگشادی پای گردون پیر بر بستی
مفهوم: ستایش توانایی و زورمندی

🔗 امروز منم به زور بازو مغرور یکتایی من بود به عالم مشهور

◀ گفتم: «علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه
فائق، استعداد مجرد، جز حسرت روزگار نیست»

◀ زور داری چون نداری علم کار لاف آن نتوان به آسانی زدن
مفهوم: برتری دانش بر زور و قدرت / با دانش به کمال می‌رسی
هر چند قدرتمند باشی.

🔗 من صیدی‌ام کز سرکشی حکمت شکارت می‌کند
پرتکیه بر تسخیر من در قوت بازو مکن



ملکا، ذکر تو گویم

پایه دوازدهم
ستایش

◀ ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

نروم جز به همان ره که توام راهنمایی

مفهوم: منزّه بودن راهنما بودن خداوند

🔗 پاکی و منزّهی و بی‌همتایی کس را نرسد ملک بدین زیبایی

🔗 خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای

◀ تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی

تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی

◀ همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی

همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی

مفهوم: صفتهای خوب مخصوص خداست.

🔗 در صفات کمال هستی تو

عقل مست است و ناطقه اُخرس (گُنگ)

◀ نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی

نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

مفهوم: خداوند برتر از درک و فهم

🔗 نه ادراک در کنه ذاتش رسد

نه فکرت به غور صفاتش رسد

◀ همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو پوشی

همه بیشی تو بگاهی، همه کمی تو فزایی

مفهوم: خداوند غیب‌دان و ستار العیوب است. / عزت و ذلت به دست خداست

🔗 خداوند منزّه پاک و بی‌عیب

که عالم را شهادت کرد از غیب

🔗 یکی را برآید به ابر بلند / یکی زو شود زار و خوار و نژند

◀ لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید

مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

مفهوم: ستایش خداوند به امید رهایی از دوزخ

🔗 ببخشد مگر کردگارش گناه

ز دوزخ به مینو نمایدش راه

پایه دوازدهم
درس ۱

شکرِ نعمت / گمان

◀ منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

مفهوم: شکرگزاری از خداوند موجب نزدیکی انسان به او و افزایش نعمت

🔗 بی شکر خدا مباش هرگز نفسی

تا بر تو شود ابر کرم‌ها باران

🔗 نعمت بسیار داری، شکر از آن بسیارتر

نعمت افزون‌تر شود آن را که شاکر بود

بخش دوم

مفاهیم مهم و پرتکرار

- حوزه عشق
- حوزه اخلاق
- حوزه عرفان
- حوزه خداوند
- حوزه پایداری و مقاومت
- سایر مفاهیم کلی



حوزه عشق



۱ عشق منشأ خلقت انسان بوده است.

شرح: هزاران سال کالبد انسان در گوشه‌ای افتاده بود و خداوند دلیلی برای خلقت آن نمی‌دید. تا اینکه روزی تصمیم گرفت از خودش در یک مخلوق بدمد. این را در دین روح و در ادبیات عشق می‌نامند. انسان داوطلب شد تا این مقام را بپذیرد و تنها دلیل خلقت انسان همین عشق بود.

- ای مهر تو در دل‌ها، وی مهر تو بر لب‌ها
وی شور تو در سرها، وی سر تو در جان‌ها
۷ | ۱۰
- لذت هستی، نمودی، نیست را
عاشق خود کرده بودی نیست را
۱۸ | ۱۰
- از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق
روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند
۶ | ۱۱
- پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد
و به ید قدرت در گل از گل، دل کرد.
۷ | ۱۱
- عشق، حالی دو اسبه می‌آمد.
۷ | ۱۱
- من خفته بدم به ناز در کتم عدم
حسن تو به دست خویش بیدارم کرد
از خمستان جرعه‌ای بر خاک ریخت جنبشی در آدم و حوا نهاد
- در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
این لطف بین که با گل آدم سرشته‌اند
وین روح بین که در تن آدم تنیده‌اند

تکنیک

کلید واژه‌های احتمالی: ازل • گل • آدم و حوا
شباهت دارد به: کشیدن بار امانت عشق...

۲ کشیدن بار امانت عشق توسط انسان

شرح: خداوند قبل از اینکه مقام عشق را به انسان پیشنهاد دهد آن را به آسمان و کوه و زمین عرضه کرد. آن‌ها طاقت آن را نداشتند و از زیر بار آن شانه خالی کردند. انسان جسورانه آن را پذیرفت.

• انا عرضنا الامانة على السموات و الارض و الجبال...

• آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه کار به نام من دیوانه زدند

• آسمان سست‌پی مرد شکوه عشق نیست

رخش می‌باید که رستم را به میدان آورد

• آدمی گر خون بگرید از گران‌باری رواست

آن چه نتوانست بردن آسمان بر دوش اوست

• آسمان کی می‌تواند کرد کار عشق را

بر نمی‌آید ز دست شیشه‌گر آهنگری

• عشق بالاتر از آن است که در وصف آید

چرخ کبکی است که در چنگال این شهباز است

تکنیک

کلید واژه‌های احتمالی: آسمان • کوه • امانت • عشق
شباهت دارد به: عشق منشأ خلقت انسان بوده است



۳ سختی کشیدن عاشقان

شرح: ساختار بسیار واضح و پرکاربردی دارد. هر عاشقی در راه رسیدن به معشوقش آزار می‌بیند و سختی می‌کشد.

- گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آید ۱۰ | ۶
- گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید
- گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید ۱۰ | ۷
- چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها
- هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید ۱۰ | ۷
- ما نیز یکی باشیم از جمله قربان‌ها
- گریه‌ شام و سحر شکر که ضایع نگشت ۱۱ | ۱
- قطره باران ما گوهر یکدانه شد
- بزن زخم این مرهم عاشق است ۱۱ | ۱۱
- که بی‌زخم مردن، غم عاشق است
- نی حدیث راه پر خون می‌کند ۱۲ | ۶
- قصه‌های عشق مجنون می‌کند
- صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع ۱۲ | ۷
- لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست
- باز آ که در هوایت خاموشی جنونم ۱۲ | ۷
- فریادهای برانگیخت از سنگ کوهساران
- باید او را بجوید و بدو مهرورزی کنید، لکن بدانید که رفتن بر کوه ۱۲ | ۱۴
- قاف کار آسانی نیست.
- بس که خشکی بس که دریا بر ره است ۱۲ | ۱۴
- تا نپنداری که راهی کوتاه است



حوزه عشق

۱. بیت: «حسنّت به ازل نظر چو در کارم کرد / بنمود جمال و عاشق زارم کرد» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟

(زبان خارجه - ۹۲)

که تا دور ابد باقی بر او حسن و ثنا آمد
حسن چو جلوه می‌کند عشق زیاد می‌شود
که یک دم از تو نظر بر نمی‌توان انداخت
نامزد عشق تو آمد جهان

(تجربی - ۹۵)

بنمود جمال و عاشق زارم کرد»
لیک هر دیده محرم آن نیست
راست کان خورشید پیدا گشت ناپیدا شدم
سیلاب عشق در دل مست خراب بست
کان چهره مشعشع تابانم آرزوست

۲. مفهوم بیت «آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرعه فال به نام من دیوانه زدند» با کدام بیت تناسب دارد؟

(تجربی - ۹۲)

تو زیر بار این کوه کلان رفتی چه بی‌باکی
خرمن مه به جوی خوشه پروین به دو جو
بی‌دلی سهل بود گر نبود بی‌دینی
تقصیرهای رفته به خدمت قضا کنیم

۳. مفهوم بیت: «هاتف آن روز به من مژده این دولت داد / که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند» با کدام بیت تناسب دارد؟

(تجربی - ۹۲)

وین نفس حریص را شکر می‌باید
آری شود ولیک به خون جگر شود
بدعهدی زمانه امانم نمی‌دهد
صبر و آرام تواند به من مسکین داد

(تجربی - ۹۵)

بس که بیسندید باید ناپسند»
از زلزله خاک چه غم چرخ برین را
که خار دشت محبت گل است و ریحان است
تا شب نرود صبح پدیدار نباشد
در دهان شیر می‌باید شدن بر بوی کام

(۱) کمال حسن تدبیرش چنان آراست عالم را
(۲) لطف نهان به جلوه آر تا برود دلم ز کار
(۳) چه فتنه بود که حسن تو در جهان انداخت
(۴) تارقم حسن تو زد آسمان

۲. بیت زیر با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

«حسنّت به ازل نظر چو در کارم کرد»
(۱) آفتاب رخ تو پنهان نیست
(۲) سایه‌ای بودم ز اول بر زمین افتاده خوار
(۳) یک شعله آتش رخ تو در جهان فتاد
(۴) ای آفتاب حسن برون آدمی ز ابر

(۱) فلک غلتید و از بار امانت شانه خالی کرد
(۲) آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق
(۳) گر امانت به سلامت ببرم باکی نیست
(۴) برخیز تا به عهد امانت وفا کنیم

(۱) دردا که طبیب صبر می‌فرماید
(۲) گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
(۳) شکر به صبر دست دهد عاقبت ولی
(۴) آن که رخسار تو را رنگ گل و نسرين داد

۵. مفهوم بیت زیر با همه ابیات تناسب دارد به جز:

«عشق را خواهی که تا پایان بری»
(۱) آسوده بود عشق ز بی‌تابی عشاق
(۲) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست
(۳) تا رنج تحمل نکنی، گنج نبینی
(۴) کام دل خواهی برو گردن به ناکامی بنه



۱. گزینه «۱» در این گزینه از زیبایی معشوق که موجب ثنا می‌گردد سخن رفته است، اما در بیت پرسش و گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ سخن از «عشق منشأ خلقت انسان» است.

۲. گزینه «۳» مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۳»: عشق منشأ خلقت انسان است. بررسی مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: حضور فراگیر معشوق (خداوند) در همه جا و ناتوانی انسان از درک و شناخت خدا
گزینه ۲: عشق، ارزش‌بخش و مایه کمال است.
گزینه ۴: آرزومندی عاشق به دیدار معشوق

۳. گزینه «۱» معنی بیت سؤال: آسمان و ساکنان آن با همه عظمت‌شان تحمل بار عشق را نداشتند (ملک و ملکوت سرباز زدند) بنابراین قرعه فال به نام آدم زده شد.

۴. گزینه «۲» مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۲»: صبر و شکیبایی بر سختی‌ها و دشواری‌های راه عشق برای رسیدن به مقصود.

بررسی مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: ارزشمندی صبر و شکیبایی
گزینه ۳: بی‌صبری و ناشکیبایی شاعر در راه رسیدن به مقصود
گزینه ۴: اظهار نیاز به صبر و شکیبایی در عشق

۵. گزینه «۱» مفهوم بیت: گله از بی‌تفاوتی عاشق به معشوق، آسوده بودن معشوق از عاشق مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: لزوم تحمل سختی‌های راه عشق برای رسیدن به مقصود (معشوق)

۶. گزینه «۲» مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۲»: سختی کشیدن عاشقان و گریستن در این سختی

بررسی مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: سوز و گداز عاشق و گریستن او در فراق معشوق
گزینه ۳: تقابل عشق با صبر و شکیبایی: صبوری پیشه کردن در عشق غیرممکن است.
گزینه ۴: توصیه به یتیم‌نوازی: یاری کردن یتیمان موجب جاودانگی نام آدمی است.

۷. گزینه «۴» مفهوم بیت: ملامت‌کشی عاشق

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

عاشق از سرزنش و ملامت دیگران در راه عشق نمی‌هراسد: بی‌توجهی عاشق به سرزنش و ملامت دیگران در راه عشق

۸. گزینه «۴» مفهوم مشترک سؤال با گزینه «۴»: عاشقی دشوار و سخت است و در راه عشق باید رنج‌های بسیاری را تحمل کرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: به خواست و مراد کسی عمل کردن از شادی هزار سال بهتر است.